



بداهه‌گویی شرط اول گویندگی

گفت و گو با وحید جلیلود (گوینده رادیو جوان)

● میترا اسدنیبا و فاطمه شیرین

از بزرگان، با تصویر در رادیو مخالف اند، در صورتی که اگر تصویر را از رادیو حذف کنیم دیگر هیچ چیز وجود ندارد.

□ دوباره تصویر در رادیو بیشتر توضیح دهید.

○ وقتی گوینده رادیو حرف می‌زند، شنونده باید آن را ببیند. اگر این دیدن حاصل نشود آن وسیله دیگر رادیو نیست درست است که تخیل شنونده نقش دارد اما گوینده یا باید حاکم و مسلط بر تخیل شنونده شود و یا آن را تحت تأثیر قرار دهد. درست است که من هر حرفی بزنم شما تخیلی از آن دارید و یا اگر الان در اتاق مجاور کسی صدایم را بشنود، تخیلی از حالات من پیدا خواهد کرد، اما تخیل شنونده به توصیف و توضیح من بستگی دارد.

در این زمینه مه‌رمان دوستی در کار گویندگی مکتب دارد و خیلی خوب توانسته رادیو را تصویری کند. وقتی او حرف می‌زند شنونده می‌تواند حرف‌های او را ببیند. اگر مقوله‌ای محتوایی باشد مثل صحبت کردن درباره اخلاق، خوب دیدنی نیست اما موقعیت‌هایی وجود دارند که قابلیت تصویرسازی دارند. زمانی هم موضوع فراتر

□ لطفاً معرفی اجمالی از خودتان بفرمایید.

○ من وحید جلیلود هستم و در رشته نمایش تئاتر و کارگردانی و بازیگری تحصیل کرده‌ام. علاوه بر کار در رادیو در زمینه تئاتر هم فعالیت می‌کردم که آخرین کار من در سال ۱۳۷۸ با میکائیل شهرستانی در داستان جنایت و مکافات بود.

□ با توجه به سوابق شما در امر تئاتر؛ نظرتان در مورد تئاتر رادیویی چیست

○ من تئاتر رادیویی را قبول ندارم، به دلیل اینکه نمایش، دو عنصر بسیار مهم دارد که رقص و شعر است که اگر یکی از آنها حذف شود دیگر به آن نمی‌توان نمایش تئاتر گفت. ما یک تعریف عمده از تئاتر داریم و آن نیز عبارت است از رقص و شعر. همان‌طور که گفتم اگر رقص و تصویر را از تئاتر حذف و آن را سمعی کنیم نیازمند ملزومات دیگری است که جایگزین شعر و تصویر در رادیو شود، اما در رادیوی ما این اتفاق به وقوع نپیوست؛ زیرا یا مؤلفه‌های عمده و اصلی برای تصویری شدن صداها ایجاد نشده، یا خیلی رعایت نشده است. خیلی



به نظر من هر چیزی یک وجه صنعتی دارد و یک وجه هنری. اگر ما رادیو را هنر می‌دانیم، «حس» جزء لاینفک آن است و مقوله هنری بدون حس فاقد ارزش است. یک گوینده باید درباره خیلی چیزها اطلاعات داشته باشد، حتی اگر این اطلاعات درباره مسائل جزئی و بی‌اهمیت باشد، در واقع دانستن هر چیزی که به زندگی آدم‌ها مربوط می‌شود برای گوینده ضروری است

لزومی دارد که ما دنبال واژه‌ها باشیم و چرا به دنبال محتوای آن نمی‌رویم؟ برخی از آقایان هنر را یک صنعت می‌دانند در حالیکه صنعت شکلی از هنر است و نمی‌توان هنر را شکلی از صنعت دانست. به نظر من هر چیزی یک وجه صنعتی دارد و یک وجه هنری. اگر ما رادیو را هنر می‌دانیم، «حس» جزء لاینفک آن است و مقوله هنری بدون حس فاقد ارزش است.

□ وظیفه یک گوینده و یا یک تهیه‌کننده در مقابل شنونده چیست
○ من اگر یک گوینده مختار باشم، می‌توانم خیلی مؤثر باشم و پیرامون خیلی از مسائل اظهار نظر کنم و کارهای مختلفی انجام دهم و یا به نوعی نقش محوری مؤثری را در ایجاد ارتباط عمیق‌تر با مخاطبانم داشته باشم، حال این ارتباط باید به گونه‌ای باشد که نه به درجه‌ای از سطحی‌گرایی برسد و نه به آزرده‌گی خاطر شنونده بینجامد. من معتقدم باید با زبان متداول مردم صحبت شود و به استناد فرمایش حضرت علی (ع) «فرزند زمان خویشتن باش» گوینده باید با واژه‌های متداول میان اکثریت مردم حرف بزند، نه آنها را تحمیق کند و نه به سطحی‌گرایی بکشانند.

□ به عبارتی ساده‌گویی کنیم و یا سنجیده صحبت کنیم.
○ سنجیده سخن گفتن با این موضوع که این کلمه را بگو و آن را نگو بسیار متفاوت است. گاهی یک کلمه چندبار عاطفی مختلف دارد، پس روی کلمات اصرار نکنیم. لزوماً نمی‌توان به کسانی که از کلمات خاص استفاده می‌کنند بگوییم شما فرهنگ لمپنیزم را اشاعه می‌دهید. من می‌گویم آمار نشان می‌دهد که اکثریت جامعه ما زبان خاص

از آن است و مثلاً صحبت از عشق است. شنونده حداقل نگاه به عشق را می‌بیند، اگر چه ممکن است این نگاه صددرصد کامل نباشد اما می‌تواند نقص آن را بفهمد. شنونده متوجه می‌شود که گوینده چه حس، فن و زیبایی را برای بیان آن به کار برده است. البته اگر چه خیلی از پیشکسوتان رادیو «حس» وارد می‌کنند، اما در مجموع شرایطی که گفته شد باید در صدای گوینده وجود داشته باشد تا شنونده آن را به تصویر بکشد و رادیو به نظر من زمانی موفق است که تصویری شود و اگر این اتفاق عملی نشود رادیوی فعلی پیشرفتی نخواهد کرد.

□ شما چه تعریفی از حس دارید و چرا فکر می‌کنید بعضی‌ها با این مقوله مخالف‌اند

○ عده‌ای از پیشکسوتان رادیو به سبک کلاسیک، معتقدند و می‌گویند اگر شما یک شعر می‌خوانید آن شعر به خودی خود دارای حس است و گوینده فقط باید آن را بخواند اما من معتقدم اگر یک برنامه‌نویس رایانه بخواهد، می‌تواند با یک برنامه رایانه‌ای، خیلی قشنگ‌تر از یک گوینده آن را بخواند؛ چون صدای او نمی‌گیرد و تپق هم نمی‌زند. اگر مهم شعر است که دارای حس است پس گوینده در اینجا چه کاره است؟! این مسئله حتی درباره متون دیگر هم وجود دارد. در هر حال نویسنده مطلب در زمان نوشتن، دارای حسی بوده که نشان‌دهنده موقعیت مکانی و زمانی و محیطی آن است و اگر این شرایط حاکم بر نوشته با لحن خواندن آن مطابق نباشد، حضور گوینده توجیهی ندارد. به نظر من، یک مقوله هنری بدون حس، معنا و ارزش ندارد. هر چند تعاریف افراد از «حس» متفاوت است، اما چه

خودشان را دارند. به نظر من اگر به کلمات اعتقاد وجود داشته باشد پشت آن می‌تواند هزاران اندیشه قرار گیرد و این قدرت را به واژه می‌دهد که هر جابخوان از آن کلمه استفاده کرد.

□ در ابتدای صحبت اشاره به تکنیک کار در گویندگی داشتید؛ نظرتان در مورد سبک گویندگی چیست و به نظر شما یک فرد رسانه‌ای باید دارای چه ویژگی‌های شخصیتی باشد شما تا چه حد در کارتان متکی به گزینه هستید

○ اینکه یک شخصیت ژورنالیستی رادیویی چه خصوصیتی باید داشته باشد، محدود به گوینده‌ها و افراد رسانه‌ای خودمان نیست. اگر بخواهم فارغ از اعتقادتم بگویم، ژورنالیست رادیویی باید اندیشمند و جذاب باشد و این جذابیت جایی خود را نشان می‌دهد که فرد مورد قبول واقع شود و مقبولیت لازم را به دست آورد. اعتقاد من این است که مخاطبان کارفرمای ما هستند و فقط آنها می‌توانند بگویند، کدام گوینده به عنوان یک فرد رادیویی، جذاب است و می‌تواند شنونده را به طرف رادیو بکشاند. بخش ارتباطات می‌تواند نظر مردم را خیلی خوب بیان کرده و حتی به گوینده بگوید حاصل تماس‌های مردمی نشانگر عدم مقبولیت توست. حالا این تجربه در زندگی شخصی یک گوینده هم می‌تواند هویدا شود.

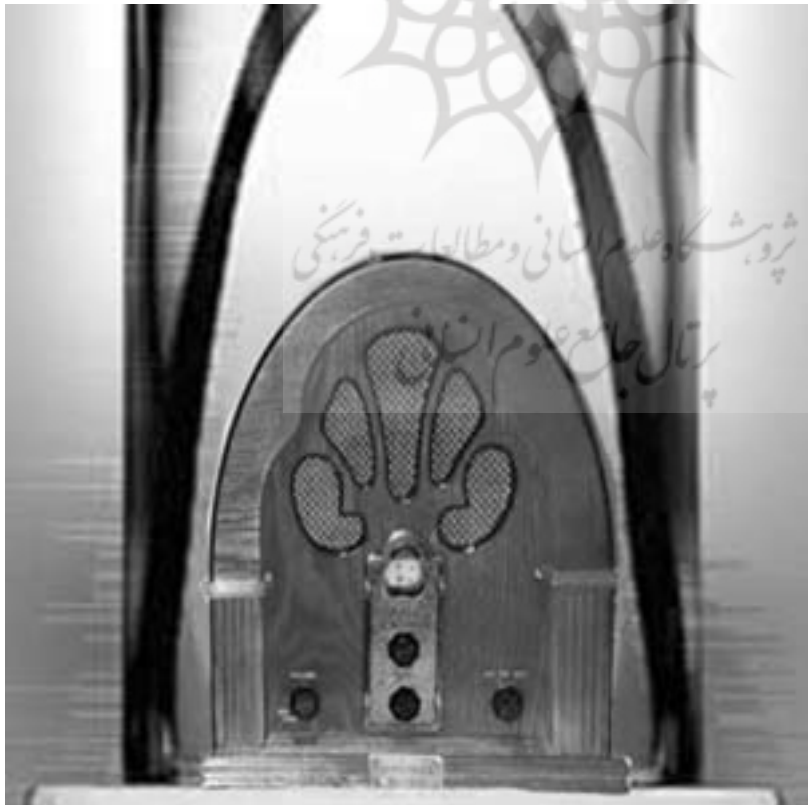
□ تفاوت گوینده با مجری در چیست

○ به نظر من، یک گوینده باید اندیشمند، جذاب و در کل یک انسان

باشد، حالا در هر جای دنیا، چه در فرانسه یا در رادیو BBC یا در صدای جمهوری اسلامی ایران، هر جا که حضور دارد. چون این یک فاکتور جهانی است و ربطی به اعتقادات فردی ندارد. فیلم‌های پورنو با تمامی ظرافت‌های فیلم‌برداری و کارگردانی خوب یک حرکت زشت جنسی را تبلیغ می‌کند؛ چون می‌خواهد مخاطب خود را جذب کند. بنابراین یک گوینده رادیویی باید در درجه اول انسان باشد و بعد جذاب و اندیشمند؛ چون اگر غیر از این باشد بعد از یک دوره گذرا رهاش می‌کنند. ما اگر معتقد به رسالت رادیو و تلویزیون هستیم باید این عامل‌ها را مدنظر داشته باشیم. من مثالی عرض می‌کنم که مادر حرکت خودمان آن طوری که باید و شاید، نتوانستیم حضرت فاطمه (س) را معرفی کنیم اما فردی به نام لوک بسون با استفاده از جذابیت فیلم، ژاندارک را می‌سازد. خدارحمت کند دکتر شریعتی را که می‌گفتند: «آنها ژاندارک خودشان را با هزار و یک خطایی که ممکن است داشته باشد خیلی قشنگ‌تر از اسطوره‌های پر عظمت ما مطرح کردند». ما اگر جذابیت را به ذات اشیاء و پدیده‌ها واگذار کنیم، با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم شد. حالا در بحث گویندگی هم اگر گوینده می‌خواهد جهانی و تأثیرگذار شود باید اندیشمند باشد.

□ فکر می‌کنید چقدر با قدرت استدلال می‌توانید مخاطبان را قانع کنید

○ من فکر می‌کنم این کار لازم نیست، چون منطق کافی است. شاید



رادیو باید ساختار شکنی کند، یعنی «کلاسیسم» رادیویی را بشکند و جوان پسند باشد. حال می‌تواند مدرنیته باشد یا چیزی مثل پست مدرنیته. مثال جزئی اینکه در برنامه رادیویی شکل را بر محتوا رج بدانیم. روی ساختار شکنی تأکید می‌کنم

این حرف آرمان‌گرایانه باشد ولی بنده حاضر نیستم تحت هیچ شرایطی هیچ یک از اطرافیانم را در صورت غیرمنطقی بودن حرفم قانع کنم؛ چون حرفی که منطقی است منبع دارد و هر حوزه منابع خاص خود را دارد. مثلاً منبع بحث‌های اعتقادی، قرآن و فرمایشات ائمه است. در سینما مبادی سواد سمعی و بصری است. بنابراین وقتی کلام من استناد معتبر دارد مجبور نیستم هر طور که شده طرف مقابل را قانع کنم.

❑ **مهارت‌های نوشتاری یک گوینده به سبک رادیو تا چه حد اهمیت دارد**

○ درباره سبک رادیو بحث‌های فراوانی وجود دارد. به اعتقاد من، مهارت نوشتن برای یک گوینده خیلی اهمیت دارد. ببینید، کسی که در زندگی عادی و شخصی می‌تواند خوب بنویسد و بخواند، در رادیو با مخاطب خود هم می‌تواند خوب صحبت کند و با او ارتباط برقرار نماید و به نوعی با قدرت بداهه گویی نیازی به متن پیدا نکند، من از این امتیاز برخوردارم و در عین حال که می‌نویسم می‌توانم بخوانم.

❑ **با توجه با فرمایشات شما افزایش مهارت‌های فردی یک گوینده موجب بی‌نیازی وی به متن می‌شود. بنابراین برای افزایش مهارت‌های تخصصی یک گوینده؛ مطالعه در چه زمینه‌ای را**

ضروری می‌دانید

○ یک گوینده باید درباره خیلی چیزها اطلاعات داشته باشد، حتی اگر این اطلاعات درباره مسائل جزئی و بی‌اهمیت باشد، در واقع دانستن هر چیزی که به زندگی آدم‌ها مربوط می‌شود برای گوینده ضروری است، اما تعیین حوزه‌های خاص ممکن است انگیزه‌های لازم را برای مطالعه از بین ببرد. من زمانی برای یک برنامه سه ساعته چندین ساعت مطالعه روزانه داشتم. بنابراین به نظر من دیگر دوره اتکای گوینده و مجری به متن گذشته است، باید انگیزه ایجاد کرد تا گوینده به سراغ مطالعه برود.

❑ **عوامل ایجادکننده خلاقیت و افزایش انگیزه در رادیو چیست**

○ یکی از عوامل ایجاد انگیزه می‌تواند مسائل مادی باشد و دیگری عشق و علاقه به کار رسانه‌ای و مطرح شدن فرد یا نیاز به ابراز شدن هم می‌تواند از جمله این عوامل باشد. به نوعی، شاید بتوان گفت باید زمینه برآورده شدن حس جاه‌طلبی فرد با حفظ و رعایت چارچوب‌های مدون و انسانی فراهم شود و بعد از آن هم بحث تمایلات و انگیزه و استعداد‌های فردی قرار می‌گیرد که باید توسط سیستم مدیریت رسانه جهت دهی شود.

❑ **چگونه می‌توان بین نیازهای مخاطب و انگیزه‌های فردی**



اینکه یک شخصیت ژورنالیستی رادیویی چه خصوصیات باید داشته باشد، محدود به گوینده‌ها و افراد رسانه‌ای خودمان نیست. ژورنالیست رادیویی باید اندیشمند و جذاب باشد و این جذابیت جایی خود را نشان می‌دهد که فرد مورد قبول واقع شود و مقبولیت لازم را به دست آورد

برنامه سازان و مصالح گرداننده‌های رسانه تعدیل ایجاد کرد

○ ایجاد هم‌اندیشی و عدم خودرأیی و بسته نبودن درهای اتاق مدیران به روی افراد، خود عامل مهمی در جهت ایجاد تعادل است. البته منظور بنده این نیست که ما نظام گوینده سالاری یا تهیه کننده سالاری ایجاد کنیم. عرض بنده این است که نظام مدیریتی که مبتنی بر مصلحت‌اندیشی است، زمانی که می‌خواهد تصمیمی اتخاذ کند حرف من را بشنود. بنده هم وجود شرایط تهاجم فرهنگی، خطر مسائل داخلی و خارجی را درک می‌کنم و بدان معتقدم، اما مدیر در پشت درهای بسته نمی‌تواند آنها را حل کند. مدیر می‌تواند از دریچه دید من هم مصلحت‌نظام را مطرح کند که این امر مستلزم هم‌اندیشی است. در تصمیم‌گیری هم مصلحت‌نظام لحاظ شود و هم مخاطب رادیو در نظر گرفته شود. چرا از گوینده که ویرترین رسانه است و شنونده صدای او را می‌شناسد و می‌شنود، استفاده نمی‌شود؟!

با توجه به سوابق هنری شما در عرصه بازیگری تئاتر؛

در کار گویندگی تا چه حد از این حرفه بهره می‌گیرید

○ گویندگی، خود نوعی بازیگری است منتهی گوینده خودش را بازی می‌کند. من همین حالا که صحبت می‌کنم خودم را بازی می‌کنم، اما بازیگر تئاتر در نقش‌های زیادی ظاهر می‌شود؛ مثلاً نقش یک آدم فقیر، یک بیمار تیپوسی و یا غیره، اما به نظر من گوینده رادیو بازیگر «متودستی» است که خودش را فقط خلق می‌کند. گوینده رادیو باید آنقدر توانایی داشته باشد که بتواند پشت میکروفون، خودش را بازی کند یعنی بتواند گریه کند یا بخندد و به هر حال حس خود را ابراز نماید و اندیشه‌ها و افکار خود را بروز دهد. گویندگی در رادیو یک برش از زندگی گوینده است و نباید از او بخواهیم که جور دیگری باشد. حالا که خداوند به او توانمندی‌های خاصی داده و به او لطف داشته، اجازه بدهید این توانمندی‌ها را به کار ببندد.

شما وقتی در برنامه‌های زنده پشت میکروفون قرار

می‌گیرید با توجه به تعریفی که از گوینده دارید بخشی از هویت

خودتان را در معرض مخاطره قرار نمی‌دهید

○ چرا در معرض مخاطره قرار بگیرم؟ من اگر خودم را همان آدم اندیشمند بسازم و بتوانم خودم را بازی کنم ایراد ناپذیر می‌شوم. خیلی از گوینده‌ها از تیپ می‌ترسند اما مگر تیپ زدن ایرادی دارد؟ اگر دید بدی به این مسئله وجود دارد به خاطر فرهنگی است که بر گویندگی و مجری‌گری در جامعه حاکم شده است. حتی گوینده‌های مجرب در رسانه‌های خارجی هم اگر روزی ناراحتی داشته باشند تیپ می‌زنند. گاهی از ما اشکال می‌گیرند که اگر حالت بد است چه ربطی به شنونده‌ها دارد؟ اگر من حالم بد باشد شنونده متأثر از حالات من می‌شود. به هر حال من دروغ نمی‌گویم. مثلاً یک بار وقتی پشت میکروفون نشستم، گفتم که حالم بد است و علت آن هم این بود که در مسیری که به سمت سازمان می‌آمدم

جوانی را دیدم که پیر مردی را روی پشت گرفته و در حال دویدن است. ما ماشین‌های دیگر از کنار آنها رد شدیم، من خجالت کشیدم به راننده بگویم که توقف کند تا مشکل آنها را سؤال کنم. هفته بعد با تماس‌های تعداد زیادی از شنونده‌ها که گفته بودند ما نمی‌دانستیم این قدر آدم بدی باشی، مواجه شدم. بنابراین زمانی پُل بین من و شنونده شکسته می‌شود که او مرا کنار کرسی خانه‌شان حس کند نه اینکه من ماسک بزنم و چهره دیگری از خودم بروز دهم.

با توجه به اهمیت تخیل مخاطب در رادیو؛ مسئله

چهره‌گشایی مجری و گوینده رادیو در تلویزیون را چگونه ارزیابی

می‌کنید

○ من به این مسئله اعتقاد دارم که این چهره‌گشایی صورت نگیرد و به همین خاطر اجرای تلویزیونی هم ندارم. دلیل بنده این است که بین مخاطبان جوان ۳۱-۳۲ ساله کسانی هستند که پدر ندارند و مراد پدر خود می‌دانند. حالا اگر بروم و اجرای تلویزیونی داشته باشم چه اتفاقی می‌افتد!

با توجه به تغییر و تحولات جامعه؛ وجود رادیو جوان را در مسیر

این تحولات چه قدر مفید می‌دانید و آیا رادیو جوان همراه این

تحولات انعطاف‌پذیر بوده است

○ رادیو جوان اصلاً جوان نیست، چون شما میان برنامه‌های رادیو سراسری و رادیو جوان هیچ تفاوتی حس نمی‌کنید. این رادیو باید ساختار شکنی کند، یعنی «کلاسیسم» رادیویی را بشکند و جوان‌پسند باشد. حال می‌تواند مدرنیته باشد یا چیزی مثل پست مدرنیته. مثال جزئی اینکه در برنامه رادیویی شکل را بر محتوا راجح بدانیم. روی ساختار شکنی تأکید می‌کنم.

از نظر شما زبان فارسی و زبان معیار مشخصاً در رادیو چه

جایگاهی دارد

○ بنده فکر می‌کنم خیلی از کلمات مشابهی که فرهنگستان آن را به کار می‌برد قابل هضم نیست ما باید به صورت ساختاری زبان فارسی را نهادینه کنیم و این کار باید از صدا و سیما شروع شود. البته کار بدی نیست ولی نمی‌شود به یک گوینده بگوییم موظف است به جای «هلی کوپتر» بگوید «چرخ بال»، چون من گوینده اگر این کار را انجام دهم کلام غیر جذاب می‌شود و مخاطب مرا نمی‌پذیرد.

نظرتان در مورد مجله رادیو چیست

○ مجله رادیو، قدری سفارشی مدیریتی است و مانیفست‌های عجیبی از سوی مدیران صادر می‌شود. کار مجله رادیو تخصص می‌خواهد. آن را به عنوان کار تخصصی نگاه کنید و از حضور متخصصان در این زمینه استفاده کنید.

